

چرا من مسلمان هستم؟

مؤلف

خالد ابوصالح

مترجم:

پدرام اندایش

سرشناسه: ابوصالح، خالد، ۱۹۶۵ - م. Abu Salih, Khalid *
 عنوان قرارداد: لهذا انا مسلم. فارسی * عنوان و نام پدیدآور:
 چرا من مسلمان هستم/ مولف خالد ابوصالح؛ مترجم پدرام
 اندایش. * مشخصات نشر: سندج: یالای رووناکی، ۱۳۹۵.
 * مشخصات ظاهری: ۱۰۳ ص. * شابک: ۸۵۵۱-۶۰۰-۹۷۸
 ۰۵-۸ * وضعیت فهرست نویسی: فیبا * یادداشت: کتابنامه.
 * موضوع: اسلام -- بررسی و شناخت * موضوع: -- Islam
 Study and teaching * موضوع: اسلام شناسی * موضوع:
 Islamic studies * شناسه افزوده: اندایش، پدرام، ۱۳۵۵ -
 مترجم * رده بندی کنگره: BP۱۱/الف ۱۳۹۵ ۹۰۴۱J۲۵۵ *
 رده بندی دیویی: ۲۹۷ * شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۳۰۱۳۰



چرا من مسلمان هستم؟

مؤلف: خالد ابوصالح

مترجم: پدرام اندایش

صنحه آرام: ایر نحوی

ناشر: یالای رووناکی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰

قیمت: ۴۵۰۰ تومان

شابک: ۸-۰۵-۸۵۵۱-۶۰۰-۹۷۸

مراکز پخش: سندج پاساژ عزتی انتشارات آراس

تلفن: ۰۸۷-۳۳۱۲۸۳۴۱

ایمیل: allabook93@yahoo.com

سفر کتابفروشی های پیام نو ۱ و ۲

تلفن: ۰۸۷۳۶۲۲۱۰۹۸ - ۰۹۱۸۹۸۵۹۳۲۶

فهرست مطالب

صفحه

نمران

- ۷.....هدیه‌ی مترجم
- ۹.....مقدمای مؤلف
- ۱۷.....چرا من مسلمانم؟
- ۱- اسلام یعنی چیست که الله تعالی برای بندگان به آن راضی شده است:.....۱۷
- ۲- زیرا اسلام دین فطرت (ذاتی) که انسان بر آن آفریده می‌شود) است:.....۲۰
- ۳- اسلام دین توحید و بیزاری از شرک است:.....۲۲
- ۴- اسلام دین وحدت و برادری است:.....۲۷
- ۵- دین علم، معرفت، جستجو و نگریستن است:.....۳۰
- ۶- اسلام دین آسانی و در تنگنا قرار نگرفتن می‌باشد:.....۳۴
- ۷- اسلام دین مسامحه و عدم اجبار است:.....۳۶
- ۸- اسلام دین مساوات بین انسانها است:.....۳۹
- ۹- دین رحمت، گذشت و نیکوکاری است:.....۴۵
- ۱۰- اسلام دین عدالت است:.....۵۳
- ۱۱- اسلام دین قوت، شجاعت و عزت است:.....۵۹
- ۱۲- اسلام دین وسط و تعادل بین دنیا و آخرت است:.....۶۸

۱۳- اسلام دین عفت و خویشن داری است:..... ۷۴

اسلام دینی مستقل و کامل در تمامی عبادات، معاملات و نظام

یافتنش می باشد..... ۸۳

مقدمه‌ی مترجم

به نام الله و به یاد الله و برای الله، شکر و ستایش برای الله پروردگار
جهانیان است، از او حمد گفته و از او کمک می‌طلبیم و از او هدایت
می‌خواهیم، برای همین می‌گوییم: ﴿اِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾،
کسی را که الله هدایت نماید، همراه کننده‌ای ندارد و کسی را که همراه
سازد هدایت کننده‌ای ندارد. به الله پنا می‌بریم از شرهای درونیمان و
نتایج بد اعمالمان، شهادت می‌دهیم که پرستش شونده و معبود بر حقی
جز الله تعالی وجود ندارد و محمد - شمشیر در جهاد و دلسوز در دعوت
- بنده و فرستاده‌ی او می‌باشد. صلوات و سلام بر آل و تمامی
اصحابش...

اما بعد:

کتابی که پیش رو داریم، هدیه‌ای نیکو برای کسانی است که به اسلام
با دیدهی شک و تردید می‌نگرند و به علت رفتار بد افرادی مثل من، که
خود را مسلمان می‌نامم، ولی از اخلاق و آداب آن کوچکتین اطلاعی
ندارم و به آنها عمل نمی‌کنم، محبت اسلام در قلب آنها وجود ندارد.
در این کتاب برتری اسلام بر دیگر عقاید و دین‌ها بیان شده است و اگر
تضادی در مطالب آن با رفتار مسلمانان یافت شود، علت آن رفتار غلط

مسلمان‌نماها می‌باشد، زیرا تعریفی از اسلام که در این کتاب آمده است، بر اساس قرآن و سنت پیامبر ﷺ می‌باشد، که همان اصل اسلام است. ان شاء الله که ترجمه‌ی این کتاب مورد قبول حق تعالی قرار گیرد و برگ برنده‌ای برای من و شما در روز قیامت باشد...

مقدمه‌ی مؤلف

شکر و ستایش برای الله، پروردگار جهانیان است و صلوات و سلام بر خاتم پیامبران و رسولان، پیامبر ما، محمد و بر آل و تمامی اصحابش، اما بعد...

الله تعالی برای من مقدّم نمود که مجموعه‌ای از دانشجویان را ببینم و از آنها سوال کنم: برای چه ما مسلمان هستیم؟ در نتیجه‌ی آن، آنها به یکدیگر با تعجب نگاه کردند و به گونه‌ای رفتار کردند که گویید که این امر احتیاج به سوال یا مناقشه ندارد.

به آنها گفتم: اگر کسی از شما بخواهد غیر مسلمانی را به اسلام دعوت دهد، آن شخص به او می‌گوید: برای چه دین را ترک کنی و به دین اسلام و کسانی که عرب زبان هستند، داخل شوم؟

ممیزات این دین در برابر بقیه‌ی دینها چه می‌باشد؟ برای چه آن را اجابت می‌کنید؟ تمامی آنها ساکت شدند، مگر یک نفر از آنها که به من گفت: زیرا اسلام دین تمامی پیامبران است...

به او گفتم: حق را بیان داشتی و اسلام دین تمامی پیامبران است، همان گونه که الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾ آل عمران: ۱۶۷

«ابراهیم، یهودی و مسیحی نبود، بلکه حق جو و مسلمان (تسلیم امر الله تعالی) بود و از مشرکان نبود.»

همچنین الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۱۳۵) قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (۱۱۲)﴾ [البقرة: ۱۳۵، ۱۳۶] «و می‌گویند: یهودی یا مسیحی شوید تا

هدایت یابد، بگویند: بلکه ملت ابراهیم حق‌گرا بودند و از مشرکان نبودند * بگویند: ای ابراهیم، به الله و آنچه بر ما نازل شده است و آنچه بر ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، یعقوب، نوادگان [یعقوب] نازل شده است و آنچه که به موسی و عیسی عطا شده است. آنچه که به پیامبران از طرف پروردگارشان داده شده است. بین هیچ کدام را از این فرق نمی‌گذاریم و ما تسلیم امر [الله تعالی] هستیم.»

از طرف نوح علیه السلام می‌فرماید: ﴿وَأَنْ تَوَّأْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجِرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ﴾ [یونس: ۱۷۲] «اگر روی بگردانید، اجری از شما نخواسته‌ام و اجری من جز بر الله نیست و امر شده‌ام که از مسلمانان باشم.»

آن را از قول تمامی پیامبران و رسولان علیهم الصلوات والسلام بیان می‌دارد، آنجا که رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است: ﴿أَنَا أَوَّلُ النَّاسِ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَنْبِيَاءُ إِخْوَةٌ لِعَلَاتِ أُمَّهَاتُهُمْ شَقَى وَدِينُهُمْ وَاحِدٌ﴾ «من از همه‌ی مردم به عیسی پسر مریم علیه السلام در دنیا و آخرت نزدیکتر هستم، پیامبران، برادرانی هستند که از یک پدر می‌باشند و مادر آنها متفاوت است

و دین آنها یکی است» [متفق علیه].

علماء گفته‌اند: «أولاد العلات» برادرانی هستند که از یک پدر، و از مادران متفاوت هستند. معنای حدیث این می‌باشد که اصل ایمان آنها یکی است و راه آنها متفاوت است، آنان در اصول توحید، اتفاق نظر دارند و در فروع با یکدیگر فرق می‌کنند.^۱

وقتی در دین‌های یهودی و مسیحی تحریف ایجاد شد و روشنگری‌های دین صحیح خاموش شد، الله تعالی محمد ﷺ را با دین صحیح و توحید خالص بعوث فرمود و دین او را خاتمه دهنده‌ی دین‌ها قرار داد و بر تمام مردم، واجب نمود که به آن ایمان بیاورند و آن را تصدیق کنند و در زیر پرچم آن قرار گیرند.

پیامبر ﷺ فرموده است: «إِنَّ رَبِّي أَمَرَنِي أَنْ أَعْلَمَكُمْ مَا جَهِلْتُمْ مِمَّا عَلَّمَنِي يَوْمَ هَذَا كُلُّ مَالٍ تَخْلُتُهُ عِبَادٌ إِلَّا إِنْ تَلَقَّتْ عِبَادِي خُنْفَاءَ كُلَّهُمْ وَإِنَّهُمْ أَتَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ فَاجْتَالَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ حَرَمْتُ عَلَيْهِمْ مَا أَخْلَلْتُ هُمْ وَأَمَرْتُهُمْ أَنْ يُشْرِكُوا بِي مَا لَمْ أَنْزِلْ بِهِ سُلْطَانًا وَإِنَّ اللَّهَ نَظَرَ إِلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَمَقَّتَهُمْ عَرَبُهُمْ وَعَجَمُهُمْ إِلَّا بَقَايَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَقَالَ إِنَّمَا عَسَلْتُ أَبْتَلِيكَ وَأُبْتَلِيَ بِكَ وَأَنْزَلْتُ عَلَيْكَ كِتَابًا لَا يَغْسِلُهُ الْمَاءُ تَقْرُؤُهُ نَائِمًا وَيَقْطَعُهُ...» «آگاه باشید که پروردگارم به من امر فرموده است که آنچه را که به من از این روز آموخته است و شما به آن جاهل می‌باشید را به شما بیاموزم، [الله تعالی می‌فرماید:] تمامی مالی که به بنده‌ای داده‌ام حلال می‌باشد و من تمامی بندگانم را حق جو آفریده‌ام، شیطان‌ها به نزد آنها می‌آیند تا آنها را از دینشان برگردانند و آنچه را برای آنها حلال کرده‌ام را حرام کنند و به آنها امر می‌کنند تا به من شرک بورزند که دلیل محکمی [برای آن شرک ورزیدن] وجود ندارد. الله

[تعالی قبل از اسلام] به اهل زمین نگریست و بر عرب و عجم آنها خشم گرفت، مگر بقایای [درستی] که از اهل کتاب باقی مانده بود و فرموده است: فقط تو را مبعوث نمودم تا تو را امتحان کنم و توسط تو [دیگران را] امتحان نمایم، [و چون در قلب اهل علم جای گرفته است] آب آن را نمی‌شوید و آن در خواب و بیداری حفظ شده می‌باشد... [رواه مسلم].

امام نووی رحمه الله گفته است: این سخن الله تعالی: ﴿وَإِنِّي خَلَقْتُ عِبَادِي مِنْ نَمَاءٍ كَالْهَمِّ﴾ «و من تمامی بندگانم را حق جو آفریده‌ام» به معنای آن است که آنها را مسلمان آفریده‌ام و همچنین گفته شده است: پاک از گناهان و همچنین گفته شده است: مستقیم و قبول کننده‌ی هدایت و همچنین گفته شده است: منظره‌ی قتی است که در عالم «ذر» از آنها عهد گرفتیم و آن عهد این می‌باشد: ﴿الَّذِي بَرَّيْكُمْ قَالُوا بَلَى﴾ [الأعراف: ۱۷۲] «آیا من پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: بلی».

این سخن الله تعالی: ﴿يَهُمُّ أَتَتْهُمْ الشَّيَاطِينُ فَأَجْتَالَتْهُمْ عَنْ دِينِهِمْ﴾ «و شیطان‌ها به نزد آنها می‌آیند، آنها را از دینشان برگردانند.» به این معناست که آنها را سبکسر نمایند و آنها را [از دین حق] به در کنند و آنچه بر آن قرار دارند را از بین ببرند و آنها را با باطل سیر دهند.

این سخن پیامبر صلی الله علیه و آله: ﴿وَإِنَّ اللَّهَ نَظَرَ إِلَى أَهْلِ الْأَنْبِيَاءِ فَمَقَّتَهُمْ عَرَبُهُمْ وَعَجَمُهُمْ إِلَّا بَقَايَا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ﴾ «الله [تعالی قبل از اسلام] به اهل زمین نگریست و بر عرب و عجم آنها خشم گرفت، مگر بقایای [درستی] که از اهل کتاب باقی مانده بود» به این معناست:

«مقت»: شدت غضب است و منظور از آن خشمگین شدن و

۱- این جمله‌ی اخیر را این گونه نیز معنا کرده‌اند: آن را با آسانی و راحتی قرائت می‌کنی. (مترجم)

نگریستن در قبل از مبعوث شدن رسول الله ﷺ می باشد.

و منظور از بقایای اهل کتاب: کسانی از آنها است که بر تمسک به دین حق و تغییر نیافته‌ی خود باقی مانده‌اند.

این سخن الله سبحانه و تعالی: ﴿إِنَّمَا بِعَثُّكَ لِأَبْتَلِيكَ وَأَبْتَلِي بِكَ﴾ «فقط تو را مبعوث نمودم تا تو را امتحان کنم و توسط تو [دیگران را] امتحان نمایم»، مایه آن این است که تو را با برپا داشتن آنچه از رسالت که برای تبلیغ است، امتحان می نماید و همچنین در جهاد در راه الله تعالی به اندازه‌ی حق جبهه‌داری و بر در راه الله تعالی و دیگر موارد تو را امتحان می نماید.

همچنین تو به دو کسانی که به سوی آنها فرستاده شده‌ای را امتحان می نماید، از آنها کسانی هستند که ایمان خود را آشکار می کنند و در اطاعت از الله تعالی اخلاص دارند و همچنین کسانی هستند که اختلاف می ورزند و مبادرت به دسی و کدبه می ورزند و کسانی نیز هستند که منافق می شوند. منظور از آن این است: تا به شکلی واقعی و آشکار آنها را امتحان نماید. الله تعالی بندگان را فقط به واسطه‌ی آنچه انجام داده‌اند، مجازات می نماید و به واسطه‌ی کارهایی که هنوز انجام نداده‌اند ولی او از اتفاق افتادن آن در آینده خبر دارد، آنها امتحانات نمی کند و اگر نه او سبحانه، عالم به تمامی امور قبل از اتفاق افتادن آنها می باشد. اینجاست که می فرماید: ﴿وَلَتَبْلُوَنَكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُبْتَاهِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ﴾ [محمد: ۳۱] «و شما را مورد آزمایش قرار می دهیم تا مجاهدان از شما و صابران را مشخص نمایم.» به این معنا که انجام دهندگان آن و توصیف شدگان به آن را مشخص نمایم.

این سخن الله تعالی: ﴿وَأَنْزَلْتُ عَلَيْكَ كِتَابًا لَا يَغْسِلُهُ الْمَاءُ تَقْرُوهُ نَائِمًا وَيَقُظَانِ﴾ «و بر تو کتابی نازل نمودیم که آب آن را نمی شوید و آن را در

خواب و بیداری می‌خوانی.»

اما این سخن الله تعالی: ﴿لَا يَغْشَاهُ الْمَاءُ﴾ «آب آن را نمی‌شوید» به این معناست که در سینه‌ها حفظ می‌شود و از بین نمی‌رود و بلکه با گذشت زمان باقی می‌ماند.

اما سخنش: ﴿تَقْرُوهُ نَائِمًا وَيَقُظَان﴾ «آن را در خواب و بیداری می‌خوانی.»

علماء گفته‌اند: آن برای تو در حالت خواب و بیداری حفظ می‌شود و همچنین گفته شده است: آن را با آسانی و راحتی می‌خوانی.^۱

کسی که به پیامبر ﷺ ایمان بیاورد و از او تبعیت نماید، او خوشبخت و توفیق یاب است و کسی که به او کفر بورزد، او بدبخت و هلاک شده می‌باشد. الله تعالی می‌فرماید: ﴿قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ سَاءَ نَبُوءُهَا لِلَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ﴾ [الأنعام: ۵۶] «می‌فرماید: عذابم را به هر کس که بخواهم می‌رسانم و رحمت من همه چیز را فرا گرفته است و آن را در آینده برای کسانی قرار می‌دهم که تقوا پند می‌شنند زکات می‌دهند (یا تزکیه نفس می‌کنند) و کسانی که آنها به آیات ما ایمان می‌ورزند.»

پیامبر ﷺ با خبر فرموده است که کسانی از اهل کتاب به همان یهودیان و مسیحیان هستند، اگر به او ایمان بیاورند، اجری در پادشاهی به آنها داده می‌شود، ابوموسی اشعری رضی الله عنه گفته است که پیامبر ﷺ فرمود: ﴿الْإِلَاحَةُ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمَنَ بِنَبِيِّهِ وَأَدْرَكَ النَّبِيَّ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَأَمَّنَ بِهِ وَاتَّبَعَهُ وَصَدَّقَهُ فَلَهُ أَجْرَانِ...﴾ «سه [گروه] هستند که اجر آنها دوبار داده می‌شود: مردی از اهل کتاب که به پیامبرش ایمان

۱. شرح صحیح مسلم از امام نووی (۱۹۵/۱۷).

می آورد و پیامبر ﷺ را درک می کند و به او ایمان می آورد و از او تبعیت می کند و او را تصدیق می نماید، در نتیجه برای او دو اجر خواهد بود...»

همچنین پیامبر ﷺ اهل کتاب را از عاقبت کفر به وی بر حذر داشته است و فرموده است: ﴿وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَا يَسْمَعُ بِي أَحَدٌ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ يَهُودِيٍّ وَلَا نَصْرَانِيٍّ ثُمَّ يَمُوتُ وَلَمْ يُؤْمِنْ بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَّا كَانَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ﴾ «قسم به کسی که جان محمد در دست اوست، از این امت یهودی و مسیحی کسی نیست که من به گوش وی برسم و سپس بمیرد در حالی که به آنچه فرستاده شدم ایمان نیاورد، [اتفاقی نمی افتد] مگر آن که از اهل آتش جهنم می شود»^۱، اواه مسلم! آیا به سوالی که مطرح نمودیم جواب دادیم؟ و آن سوال این بود: «چرا ما مسلمانیم؟». هرگز، بلکه ما فقط وجهی واحد را از ده ها وجهی که این دین را از دیگر دین ها جدا می کند پرداختیم. جواب ما به طور مجزای به این سوال این است: ما مسلمان هستیم، زیرا اسلام با خصوصیت ها و فضایل از دیگر دین ها جدا می شود که تمامی آنها در هیچ دینی قبل از آن جمع آوری نشده است، بدین شکل که آن شامل تمامی مزایای دین های قبلی می باشد و به آن مزایایی اضافه شده است که در دین های قبل از آن وجود نداشته است و این موافق با حکمت الهی است، همانا الله تعالی درست است که این دین تمام کننده [تمامی دین ها] و شامل تمامی اموری باشد که امکان می سازد که بشریت در هر زمانی از زمان ها به خیر دست پیدا کند اما جواب تفصیلی برای این سوال بزرگ: «چرا ما مسلمان هستیم؟»، جواب این سوال در صفحات این مطلب بیان شده است. و توفیق از جانب الله تعالی می باشد.

أبو صالح خالد بن مصطفى سالم- ربيع الأول سال ۱۴۲۴هـ